

رفتار و کردار عامه فرانسوی و ایرانی بر مبنای امثال

(تحقیقات تطبیقی مثل‌شناسی زبانهای فارسی و فرانسه)

“Recherches parémiologiques comparées”

La sagesse populaire française et persane
d'après les proverbes.

کتابی که به زبان فرانسه زیر عنوان فوق‌در پائیز ۱۹۷۶ برسم «تز دکتری» (رسالة اجتهاد) بوسیله محمدحسن رضوانیان در دانشکده ادبیات دانشگاه سوربون جدید در پاریس مورد کنگاش و قبول واقع گردیده است کتاب بزرگی است در ۴۲۵ صفحه بزرگ (با ماشین تحریر).

آقای دکتر رضوانیان به بنده مرقوم داشته‌اند که این کتابی که موضوع گفتار ما میباشد «تز» اصلی ایشان است. ولی این کتاب ضمیمه دیگری هم دارد که در واقع جلد اول آن باید به حساب بیاید و در حدود ۶۰۰ صفحه بزرگ مشتمل است بر صورت تعداد زیادی از امثال فارسی و فرانسه که در کتابی که مورد بحث است جمع‌آوری گردیده است. اکنون چند جمله از مقدمه در اینجا می‌آوریم تا منظور و مقصود از تألیف کتاب برای خوانندگان بهتر روشن گردد:

«در میان تمام آثار ادبیات عامیانه هر گروه انسانی ضرب‌المثل‌ها مبین شخصیت و کیفیات روحی آن گروه است. مجازها و استعارات بیشماری که در امثال بکار رفته‌اند بمنزله اسباب و ابزار و پیرایه‌هایی است که هر قوم و ملتی نمایشهای درونی خود را اعم از «کمدی» و یا «تراژدی» در آن بروی صحنه می‌آورد. پس میتوان پذیرفت که محیط طبیعی افراد هر قوم و ملت و گروه اجتماعی باتمام ویژه‌گیهای خود از آسمان و آب و هوا و اقلیم گرفته تا گیاهان و جانداران در آئینه امثال جلوه‌گر است. و نیز میتوان گفت که امثال تا اندازه‌ای به رؤیاهای صادقانه ملل شباهت دارد که روانکاوان میتوانند بدان وسیله به ژرفای شخصیت آنان پی ببرند. هرملتی با صداقت تمام و بطور ناخودآگاه پندارها و خرافات و موهومات و معتقدات و سنت‌ها و هرآنچه را بدان عقیده و ایمان دارد و حتی آنچه را که تظاهر میکند که بدان اعتقاد دارد و یا از نیاکان خود برسم

میراث باو رسیده و یا خودکشف و اختراع کرده است در همین امثال خود انکاس می‌بخشد. از طرف دیگر نکات و گوشه‌های طنز آمیخته‌ای که در امثال زیادی وجود دارد در حقیقت معرف کیفیات اخلاقی هرملتی است که بزبان آن زوایا و خفایای خلقیات خود را و علی‌الخصوص استعداد او را در هزل و طنز و نکته‌پردازی و بذله‌گوئی آشکار میسازد. امثال و حکم هرچند در کشورهای غربی امروز دیگر آن رونق و جلوه پیشین خود را ندارد اما برعکس در مشرق‌زمین هنوز هم از شهرت و اعتبار خاصی برخوردار هستند و ادبیات قریب به اتفاق این کشورها گواه این مدعاست.

ارسطو بیش از دوهزار سال پیش از این معتقد بوده است که «امثال و حکم در حکم خوشه‌های حکمت باستانی است که در پرتو ایجاز و درستی و صواب از خطر نابودی برکنار مانده است».

دانشمندان مغرب‌زمین از اواخر سده گذشته میلادی ضرب‌المثل‌ها را از لحاظ جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی مورد تحقیق قرار دادند و برای این رشته از علم و تحقیق اصطلاح نامانوس "Parémiologie" را که میشود بفارسی «مثل‌شناسی» نامید اختیار کردند.

آقای دکتر رضوانیان درباره «امثال و حکم» اثر پر ارج مرحوم دهخدا چنین اظهار نظر نموده است:

«این جنگ بزرگ بخاطر بیست و پنج هزار امثال و حکم و گفتارها و ابیات حکمت‌آمیزی که دارد بلاتردید دارای اهمیت تحقیقی بسیار است چیزی که هست مؤلف بزرگوار مقدار زیادی از ابیات و نیز قطعات شعری را که گاهی به زبان عربی است در مجموعه خود فراهم آورده است که البته حاوی نکات اخلاقی و افکار بلند حکمتی و آموزشی است. ولی گاهی کاملاً دارای جنبه ضرب‌المثلی نیست و گاهی نیز (مانند مجموعه‌های دیگری که در این رشته موجود است) مأخذ و منابع ارائه داده نشده است. و این در صورتی است که صاحب‌نظران و پژوهشگران فن در جمع‌آوری امثال و حکم همواره تأکید کرده‌اند که تنها هنگامی میتوان به یک ضرب‌المثل در مطالعات مربوط به تاریخ و جامعه‌شناسی ارزش سندیت داد که از شرایط کاربرد و استعمال آن در دوره‌ای که بتوان تاریخ آنرا بدقت مشخص کرد و قوف کافی داشته باشیم.»

مؤلف برای جلوگیری از حجم بیش از اندازه مجموعه خود به جمع‌آوری ضرب‌المثل‌هایی پرداخته است که در بیشتر شهرستانها و استان‌های ایران رایج است ولی از ذکر امثال سائر در لهجه‌های محلی که در ایالات مختلف ایران و فرانسه زبانزد مردم است خودداری کرده است.

کتاب دارای سه قسمت است با عناوین ذیل:

قسمت اول: تحقیق در ساختمان ضرب‌المثل‌های فرانسوی و فارسی. این قسمت مشتمل است بر چهار فصل درباره مباحث گوناگون و از آن جمله تعریف ضرب‌المثل و اصل و ریشه و تحولات ضرب‌المثل‌ها و نیز در معنی ضرب‌المثل که همیشه با حقیقت مطابقت دارد و انتقاد از پاره‌ای ضرب‌المثل‌ها و جز آن.

قسمت دوم: تحقیقات تطبیقی دربارهٔ پاره‌ای از مباحث مخصوصی در زمینهٔ ضرب‌المثل‌ها.

این قسمت هم مشتمل است بر سه فصل در خصوص فکاهی پرداززی در ضرب‌المثل‌های فارسی و فرانسوی و اصطلاحات مثلی و تشبیهات.

قسمت سوم: جنبه‌های روانشناسی جوامع ایرانی و فرانسوی در ضرب‌المثل‌های هریک از این دو ملت.

این قسمت دارای سه فصل است از قرار ذیل:

- ۱- مسائل مربوط به تحقیق و تتبعی که اساسش روایات لسانی است.
 - ۲- تجزیهٔ اجمالی ضرب‌المثل‌های فارسی و فرانسوی.
 - ۳- تصویر خدا و مقدسین و پاره‌ای از طبقات اجتماعی در آئینهٔ ضروب‌امثال.
- مؤلف در پایان این قسمت اخیر طبقات چهارگانهٔ ذیل را مورد توجهٔ مخصوص قرار داده است:

- ۱- کیش و آئین و روحانیون
- ۲- پادشاهان و حکمرانان
- ۳- پزشکان
- ۴- زنان

آنچه برای خوانندگانی که اهل تخصص در رشتهٔ امثال و حکم نباشند در مطالعهٔ این کتاب بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت همانا قسمت تطبیقی اصطلاحات مثلی در ضرب‌المثل‌های فارسی در مقابل اصطلاحات و امثال ساری و جاری فرانسویان است که گاهی مایهٔ تعجب می‌گردد که با وجود آن همه مسافتی که این دو کشور و دولت را از هم جدا می‌سازد این ضرب‌المثل‌های متشابه که گویی یکی ترجمه از دیگری است بچه صورت و در تحت کدام کیفیاتی بوجود آمده و تکوین یافته است.

در اینجا به نقل تعداد قلیلی از این قبیل اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها قناعت می‌شود:

- گرسنه مثل گرگ
- مانند ماهی در آب آسوده بودن
- تلخ مانند زهرمار و زقوم
- عاشق دیوانه
- پرگوئی کردن مانند زاع
- مانند ماه بودن
- مثل برف سفید بودن
- مثل عاج سفید بودن
- آبی مثل آسمان
- مثل روز روشن بودن
- ترو تازه مثل گل
- به زردی طلا

— به سبکی يك پر

از این نوع مثالها در هر دوزبان فارسی و فرانسه بطور فراوان میتوان یافت. از این تشبیهات گذشته ما میدانیم که ضرب المثل های بسیار دیگری هم از قبیل:

— مال حرام برکت ندارد.

— نداری عیب نیست.

— دروغ مصلحت آمیز به از راست فتنه انگیز است.

— هر که تنها پیش قاضی رود راضی برگردد.

— از دل برود هر آنکه از دیده برفت.

— کوزه همیشه از آب سالم برنمیگردد.

— آشپز که دوتا شد آش یا شور است یا بی مزه.

— اسب تیز رو گاهی سکندری خورد.

— دوست همه کس دوست هیچکس نیست.

— چون کنی برمه تفو بر روی تو برگردد او.

— حرف که از دهان درآید گرد جهان برآید.

— خر را که بروسى برند برای خوشی نیست برای بازکشی است.

گروه دیگری از امثال نیز وجود دارند که مانند ضرب المثل های یاد شده در بالا مطابق النعل بانمل شبیه همدیگر نیستند ولی اختلاف بسیار جزئی از نظر لغات بکار رفته باهم دارند که میشود آنها نادیده گرفت:

— يك بز گر گله را گرکین کند. (که در فرانسه بجای «بز» کلمه «میش» بکار رفته).

— اسب پیشکش را بدندانش نگاه نمیکنند (که در فرانسه بجای «دندان» «دهان» بکار رفته).

— سگک با قلاده زرین شکار نکند. (فرانسه: گربه دستکش پوشیده موش نمیگیرد).

— خر عیسی چو بمکه رود. چون بگردد هنوز هم خر باشد. (فرانسه: آدم ابله بهرم هم که برود ابله از آنجا برمیگردد).

— بهر کجا روی آسمان همین رنگ است. (فرانسه: آسمان همه جا آبی است).

— مار پوست میگذارد ولی خو نمیگذارد (فرانسه: پوست روباه را میشود کند ولی ترك عادت نمیتوان داد).

بالاخره دسته دیگری از ضرب المثل ها میتوان یافت که با وجود لغات و الفاظ کاملا متفاوتی که در ساختمان آنها بکار رفته معنی و مفهوم یکسان دارند.

— برای يك سگک در مسجد را نمی بندند. ۱

— سیر را هر چه بیشتر بکوبند بیشتر بو میدهد. ۲

(1) Pour un moine l'abbaye ne chôme pas.

(2) Plus on remue la boue, et plus elle pue.

- کار نیکو کردن از پرکردن است. ۲.
- تا تنور گرم است نان باید پخت. ۳.
- سنگ کوچک سر بزرگ شکند. ۵.
- چراغی که بخانه رواست به مسجد حرام است. ۶.
- جهان دیده بسیار گوید دروغ. ۷.
- سر بزرگه بلای بزرگه دارد. ۸.
- سری را که درد نمیکند دستمال نباید بست. ۹.
- قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود. ۱۰.

آقای رضوانیان در آن قسمت از کتاب خود که ضرب‌المثلهای فارسی و فرانسه را در باره زنان جمع‌آوری و مورد تحقیق قرار داده در این خصوص چنین اظهار نظر کرده است: «هرکس ولو با شتابزدگی مجموعه امثال فارسی و فرانسوی را درباره زن مرور نماید ملاحظه خواهد کرد که این ضرب‌المثله در حق زن بغایت تلخ و با شدت و سعایت آمیخته است چنانکه از ۱۸۰ ضرب‌المثل فرانسوی درباره زنان که ما توانستیم جمع‌آوری کنیم تعداد بسیار قلیلی مساعد بحال زنان است و هم‌چنین از ۳۱ ضرب‌المثل فارسی هم که گردآوریم اکثریت کامل در تکذیب و بدگوئی از جنس زن است.»



- (3) A force de forger on devient forgeron.
- (4) Il faut battre le fer tant qu'il est chaud.
- (5) Petite pluie abat grand vent.
- (6) La charité bien ordonnée commence par soi-même.
- (7) A beau mentir qui vient de loin.
- (8) Aux grandes portes battent les grands vents.
- (9) Où il n'y a point de mal, il faut point d'emplâtre.
- (10) Les petits ruisseaux font les grandes rivières.